



«شرق» در پی سفر روحانی به ژاپن و مالزی بررسی کرد
امتیازگیری حداکثری اقتصادی
در حاشیه روابط سیاسی

گروه اقتصاد: بعد از گذشت چند ماه از سفر رئیس‌جمهوری به روسیه و ترکیه، اکنون ژاپن و مالزی مقصد سفر روحانی شده است. این سلسله‌سفرها برای تحلیلگران سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد و این دیدارها را پل ارتباطی برای حل...

صفحه ۴

چهارشنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۸ • ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ • ۱۸ دسامبر ۲۰۱۹



سخنگوی قوه قضائیه خبر داد: تأیید احضار امضاکنندگان بیانیه ۷۷ نفر

تکذیب دخالت داماد وزیر در یک پرونده

صفحه ۲

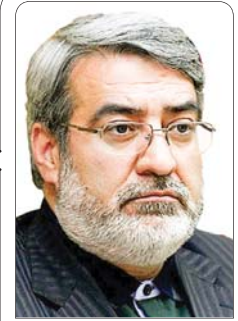


صفحه ۳

گفت‌وگوی «شرق» با حسن عابدی جعفری

روایت وزیر دولت جنگ از رابطه هاشمی و سپاه

- جدایی عسگرولادی و توکلی از دولت جنگ نارضایتی به دنبال داشت
- بنی صدر حساسیت ویژه‌ای به وزارتخانه‌های اقتصادی داشت



۱۸ نماینده بار دیگر نامه استیضاح وزیر کشور را امضا کردند

ماجرای کش‌دار یک استیضاح

گروه سیاست: اوایل صبح راهروهای بهارستان پر شده بود از این خبر که استیضاح وزیر کشور منتفی است. استیضاح‌کنندگان اما قرار بود در جلسه‌ای درباره رای نهایی تصمیم بگیرند. همان اوایل صبح وقتی در جلسه گرد هم نشستند، شنیدند...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۶۰۰ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

روحانی در ژاپن و مالزی چه می‌خواهد؟

فريدون مجلسي - تحليلگر روابط بين‌الملل



با توجه به پاسخ قاطعی که آقای شینزو آبه، نخست‌وزیر ژاپن در دیدار ظاهرآ میانجیگرانه‌اش به تهران دریافت کرد و با دلسردی بازگشت، این پرسش مطرح می‌شود که دکتر روحانی، آن‌هم پس از وقایع آبان ایران که به سرمایه اجتماعی و سیاسی او نیز آسیب رساند، با چه هدف و به چه امیدی به ژاپن می‌رود؟ آیا نشان از ابراز تمایل یا امیدی به ازسرگیری اقدامات میانجیگرانه شینزو آبه دارد؟ آیا به دنبال پیدا کردن راهی برای تسویه مطالبات بلوکه‌شده ایران خصوصاً در شرایط بحران مالی کنونی است؟ آیا برای تشویق ژاپن به ازسرگیری خرید نفت از ایران است؟ پیشاپیش تریبون‌های محافل سایه از اینکه مبدا روحانی بخواهد موضوع برجام را در ژاپن تکرار کند، هشدار داده‌اند. آنان اصل برجام را نیز همان آغاز نپذیرفتند و آن را با تلاش شیان‌روزی و کارشکنی، خنثی کردند. به‌این‌ترتیب باید مسئله میانجیگری را منتفی دانست. اگر برای تسویه حساب‌های معوقه می‌روند که بهانه تحریم بانکی آمریکا به‌جای خود باقی است. اگر برای بازاریابی نفت می‌روند، آن‌هم منتفی است؛ زیرا نفتی که نتوان پولش را گرفت یا حتی در مقابل آن کالایی دریافت کرد، فروش یا عدم فروشش چه فرقی می‌کند؟ خصوصاً در زمانی که از تریبون‌های مختلف، نواهای خواب‌اناشدن درباره برکناری مقام مهم اجرائی در بهمن‌ماه، یا سخنرانی‌هایی افشاگرانه با پیش‌بینی برکناری رئیس‌جمهور پیش از ۲۲ بهمن، یا برکناری با رای مجلس آینده - که فکر می‌کنند در اختیار اصولگرایان خواهد بود- به گوش می‌رسد. تنها امید این است که رئیس‌جمهور با کسب اختیارات ویژه مأموریتی امیدبخش داشته باشد؛ زیرا اوضاع و احوال ملت‌ب ه کنونی و جو نویدمانه ناشی از تورم و بی‌کاری، اقدامی درمانی را برای پیشگیری از شرایط بدتر تجویز می‌کند. اگرچه شعار «تحریم‌ها نتوانست مؤثر واقع شود»، در حد اینکه کشور همچنان زمین‌نخورده واقعیت دارد اما باید به درد آت‌هایی که درد را حس می‌کنند رسید. اگر در وقایع آبان مداخلات خارجی هم مؤثر بوده است، لابد زمینه‌ای هم بوده که با آن جمع و بحران آفرین شود. اما نگاهی به دیدار معروف به نشست قلب آسیا در استانبول که در آنجا مهاتیر محمد، نخست‌وزیر سال‌نخورده مالزی سخنانی در انتقاد از سیاست تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بیان کرد، می‌تواند بازتاب انگیزه ژاپن برای میانجیگری یا مصالحه ایران و آمریکا نیز باشد. آقای مهاتیر محمد که کشورش به‌ناچار تحریم‌های آمریکا را علیه ایران اجرا و اعمال می‌کند و البته دیروز و امروز، اولین میزبان رئیس‌جمهور ماست، تحریمی را که خارج از مجرای سازمان ملل وضع شده باشد، غیرقانونی نامید. خصوصاً آنکه آمریکا فقط تحریم یک‌جانبه نمی‌کند، آن را به بانک‌ها و شرکت‌های بیگانه نیز تحمیل می‌کند. دلیل آقای مهاتیر محمد دفاع از ایران نبود بلکه کشورش را که از تجارت با ایران منتفع بود، از تحریم آمریکا متضرر می‌دید و اعتراض داشت. حال باید دید روحانی در سفر به مالزی می‌تواند از این موضع‌گیری مهاتیر برای ایجاد کانالی دوجانبه برای دادوستد بهره بگیرد؟ وزیر خارجه چین نیز در هفته گذشته به زبان‌های تحمیلی ناشی از اعمال سیاست‌های تحریمی یک‌جانبه آمریکا اعتراض کرد. با توجه به اینکه ایران همواره بازار مناسبی برای کالاهای و صنایع ژاپن بوده و ژاپن نیز خریدار مهم نفت و برخی کالاهای و مواد خام ایران بوده است، می‌توان نتیجه گرفت توکیو هم از این دیدگاه احساس مشابهی با مالزی و چین دارد.

صفحه ۸



چهارباغ‌هایی که به یاد می‌آورم
گفت‌وگو با علی‌خداپی

صفحه ۸

حرف اول

به بهانه ۲۷ آذر، روز جهانی منع خشونت و افراطی‌گری

سیده فردوس شیخ الاسلام



ظاهراً تمام شد، اما هنوز صدای آدم‌ها را می‌شنوی که درباره‌اش با یکدیگر حرف می‌زنند. شبکه‌های اجتماعی همچنان از حضورش داغ‌اند. در دانشگاه‌ها، مهمانی‌های خانوادگی، جمع‌های کاری، حتی در تاکسی و اتوبوس هم سوزۀ گفت‌وگوست؛ گاه آرام و محافظه‌کارانه و گاه تند. شب‌ه ۲۵ آبان، خبر گران‌شدن بنزین پیچید. هنوز اینترنت قطع نشده بود و یکی از همکارانم گزارش لحظه‌به‌لحظه می‌نوشت از آنچه در یکی از بزرگراه‌های تهران برفی داشت رخ می‌داد: عده‌ای با چوب و سنگ جلوی راه اتومبیل‌ها را سد کرده‌اند و نمی‌گذارند هیچ‌کس تکان بخورد. اتوبوس تندرو در خط ویژه پی حرکت مانده است. جرتغیل می‌آید تا ماشین‌ها را جابه‌جا کند، اما با سنگ و چوب به آن حمله می‌شود و صحنه را ترک می‌کند. کم‌کم از گوشه و کنار خبر می‌رسد که در سراسر کشور، اتومبیل‌هایی به نشانه اعتراض خاموش شده‌اند، راه‌هایی سد شده‌اند، برخی اماکن دولتی به آتش کشیده شده‌اند و حتی جان‌هایی از دست رفته... اوج درگیری‌ها سه روز است و در بعضی شهرها شدت بیشتری دارد. گرانی بنزین، جرقه‌ای بود که آتش خشم فروخته‌های را شعله‌ور کرد و با واکنش‌هایی روبه‌رو شد که نشانی از درک و همدلی نداشت. واژه‌ای در هر دو سوی ماجرا (چه از سمت معترضان و چه نهادهای حاکمیتی) به چشم می‌خورد: خشونت. اما خشونت چیست و از کجا آب می‌خورد؟ خشونت‌هایی که مردم اعمال می‌کنند، با خشونت‌ورزی دستگاه‌های رسمی تفاوت دارد؟ در میان انبوه اندیشمندانی که درباره این مفهوم نوشته‌اند، نام یک فیلسوف و مورخ آلمانی می‌درخشد: هانز آرنت؛ او می‌نویسد: «خواه فرمانروایان و خواه فرمانبرداران، هنگامی که احساس کنند سر رشته از دستشان بیرون می‌رود، همواره دچار این وسوسه می‌شوند که خشونت را جانشین قدرت کنند و خلاصی از این وسوسه همیشه برایشان دشوار بوده است». بیشتر تحلیل‌های دو هفته اخیر درباره اعتراض‌های آبان‌ماه اتفاق نظر داشتند که تخریب‌های گسترده، از بی‌اعتمادی، ناامیدی و خشم کسانی سرچشمه گرفت که شرایط اقتصادی و شکاف‌های عمیق طبقاتی، آنان را به ستوه آورده است...

صفحه ۴

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

الزامات و واقعیات توسعه صنایع پالایشی

زنگنه به پشتوانه توسعه پارس جنوبی به تصویب رسید؛ اما در سال ۸۶ عملیات اجرایی احداث آن آغاز شد و با وجود اینکه مقرر بود سه‌ساله به نتیجه برسد، تا سال ۹۲ فقط ۴۰ درصد آن هم در بخش‌های غیرتخصصی پیشرفت فیزیکی داشت و بخش‌های فنی و تخصصی آن عملاً پیشرفتی را به دلیل کمبود منابع مالی، ضعف مدیریتی و تحریم تجربه نکرد. از سال ۹۲ با توجه به تمرکز وزارت نفت بر تکمیل طرح نظام مدیریتی این طرح اصلاح شد، منابع مالی کلانی به آن تزریق شد و تلاش شد فناوری‌های مدرن و روز جهان به‌همراه تجهیزات لازم با وجود شرایط تحریمی جذب شود و فازهای اولیه آن با تولید محصولات استاندارد در سال ۹۷ و با تأخیر ۱۰ساله به بهره‌برداری برسد. این واقعیت نشان می‌دهد که ساخت پالایشگاه با شرایط سیاسی و اقتصادی که این سال‌ها ایران تجربه می‌کند، به‌آسانی امکان‌پذیر نبوده و در صورتی‌که بر توسعه این بخش تأکید و اصرار صورت می‌گیرد، باید شرایط و الزامات آن را نیز در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مدیریتی فراهم کرد. عملکرد صنعت نفت در حوزه پالایشی در سال‌های اخیر، با وجود همه مشکلات، چالش‌ها و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و کمبود منابع مالی نسبت به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشور، قابل دفاع است. خودکفایی در تولید گازوئیل و صادرات آن و مهم‌تر از آن افزایش تولید بنزین از ۵۲ میلیون لیتر به رقمی در حدود ۱۱۰ میلیون لیتر در روز آن‌هم با کیفیت بالاگویای این واقعیت است. در اهمیت این واقعیت‌ها همسان پس که به تجربه قبل از سال ۹۲ در تبدیل مجتمع‌های پتروشیمی به تولیدکننده بنزین توجه شود.

هدف سودآورکردن مجتمع‌های پالایشی و برخورداری بازارهای پادار برای فروش محصولات ازجمله این الزامات است. زمان‌بر بودن احداث این مجتمع‌ها و بازگشت به‌نسبت طولانی‌تر سرمایه نیز از مواردی است که باید در این زمینه به آن توجه داشت. از سوی دیگر توسعه صنایع پالایشی با توجه به برابری آن با حوزه بالادستی در بخش فناوری، نیازمند تعامل با شرکت‌های بزرگ و معتبر دنیا و بهره‌مندی از توان اقتصادی و فنی آنها است. با درنظرگرفتن شرایط سیاسی و اقتصادی ایران در چهار دهه اخیر این سؤال مطرح است که آیا شرایط و الزامات طبیعی برای توسعه صنایع پالایشی در کشور فراهم بوده است؟ در شرایطی که صنعت نفت کشور در حوزه بالادستی به دلیل مشکلات خارجی و نبود امکان جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی، در افزایش تولید نفت با مشکل مواجه بوده و همچنان در مرز چهار میلیون بشکه نفت در ۴۰ سال گذشته درجا می‌زند، آیا سخن گفتن از توسعه صنایع پالایشی مبنایی دارد؟ در حال حاضر بخش بالادستی صنعت نفت، برای ماندگاری در عرصه رقابت با قدرت‌های نفتی بزرگ جهان، نیازمند ۱۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در یک برهه پنج‌ساله است. آیا این سؤال مورد توجه قرار گرفته که این رقم باید از کجا تأمین شود؟ توسعه صنایع پالایشی بدون توسعه صنایع بالادستی اصولاً فاقد مبنای بحث است. واقعیات صنایع پالایشی در کشور نیز از فراهم‌نبودن زمینه‌های متعدد برای توسعه این بخش حکایت دارد. به این منظور کافی است نگاهی به چگونگی احداث پالایشگاه ستاره خلیج فارس انداخته شود. طرح اولیه این پالایشگاه در سال ۸۲ و در دوره اول وزارت بیژن

وجود ندارد. اصولاً می‌توان گفت یکی از نشانه‌های عقب‌ماندگی صنعت نفت در ایران پایین‌بودن ظرفیت پالایشی این کشور به نسبت در اختیار داشتن منابع نفتی و قدمت دیرینه آن (۱۱۰ سال سابقه استخراج نفت) است. بنابراین ضعف صنایع پالایشی کشور، ضعیفی تاریخی است؛ هرچند در برهه‌هایی این ضعف به صورت موقت با برخی حرکت‌های جهشی جبران شده و توانسته نیازهای داخلی را تا حد زیادی پوشش داده و آسیب‌های کشور را به لحاظ وابستگی به واردات فراورده‌های نفتی کاهش دهد که خودکفایی بنزین و ایجاد ظرفیت برای صادرات بنزین و گازوئیل در سال‌های اخیر در این زمره است. به لحاظ اقتصادی نیز توسعه صنایع پالایشی با وجود پرهزینه‌بودن احداث مجتمع‌های پالایشی و سرمایه‌بر بودن آنها، با توجه به ارزش افزوده اقتصادی بالایی که برای نفت خام می‌تواند ایجاد کند، از توجیه بالایی برخوردار است. اما برای توسعه صنایع پالایشی با هدف کاهش فروش نفت خام و بهره‌مندی از ارزش افزوده اقتصادی آن قواعد و الزاماتی وجود دارد که طبعاً اگر این مهم در اولویت است، باید حتی برای آینده، زمینه‌های آن ایجاد شود. توسعه هر صنعتی ازجمله صنایع پالایشی در خلا و بدون توجه به الزامات آن محقق نمی‌شود. بهره‌مندی از سرمایه و منابع اقتصادی بالا با توجه به پرهزینه‌بودن احداث مجتمع‌های پالایشی، بهره‌مندی از دانش و فناوری روز دنیا برای کاهش هزینه‌های اقتصادی و تولید محصولات استاندارد و مطابق با شاخص‌های زیست‌محیطی، مدیریت بهینه اجرا و بهره‌برداری از مجتمع‌ها، وجود سازوکارهای اقتصادی و تجاری در تأمین خوراک و فروش محصولات با



علیرضا سلطانی
کارشناس اقتصاد انرژی

یکی از مباحث پرچالش در حوزه صنعت نفت در سال‌های اخیر، توسعه‌یافتن یا توسعه‌نیافتن صنایع پالایشی کشور بوده که هرازچندی با بالاگرفتن می‌جانات سیاسی در محافل سیاسی و رسانه‌ای، برجسته شده است و بازار انتقادات و شایعات را داغ می‌کند. این بحث در هفته‌های اخیر هم در قالب طرح استیضاح وزیر نفت مورد توجه استیضاح‌کنندگان و منتقدان مدیریت کنونی صنعت نفت قرار گرفته و به لحاظ رسانه‌ای و تبلیغاتی، فضاسازی گسترده‌ای بر سر آن ایجاد شده است؛ اما این مباحث و انتقادات بیش از آنکه بر مبنای کارشناسی و منطق اقتصادی و فنی باشد، بیشتر ماهیت سیاسی داشته و منتقدان دانسته یا ندانسته عمدتاً به صورت احساسی و بدون درنظرگرفتن منطق کارشناسی و شرایط سیاسی و اقتصادی که ایران در یک دهه گذشته به آن در حوزه‌های داخلی و خارجی مبتلاست، به نقد و گاهی تخریب می‌پردازند. این رفتار البته محدود به موضوع پالایشگاه نیست و موضوعات دیگری مانند صادرات گاز و نفت در دوران تحریم را نیز در بر می‌گیرد. در موضوع توسعه صنایع پالایشی که اصطلاحاً در ادبیات اقتصاد انرژی و نفت، حوزه پایین‌دستی خوانده می‌شود، برای کشوری مانند ایران که در زمره بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفتی جهان (چهارمین ذخایر) و اولین دارنده ذخایر هیدروکربوری (مجموع ذخایر نفت و گاز) قرار دارد، تردیدی

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید



۰۳۵۲۰۹۴۸۸

sharghdaily.ir

شماره ۶۲۲ ادبیته‌ی بویا منتشر شد

تحقیر امید

چرا حسن روحانی از شعار «دوباره اصلاح» به شکست اصلاحات رسید؟

تحلیل‌هایی دربارهٔ اعتراضات آبان ۱۳۹۸



رجوع به صفحه ۱۳

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

آگهی دعوت به همکاری



وزارت نیرو

وزارت نیرو، در راستای اصلاحات ساختاری شرکت های آب و فاضلاب و راهبرد شایسته گزینی در دولت دوازدهم و ایجاد فرصت های برابر برای همه افراد دارای صلاحیت های عمومی و تخصصی خدمت گزاری، از متخصصین داوطلب واجد شرایط

برای همکاری در سمت مدیرعامل شرکت های آب و فاضلاب سراسر کشور دعوت به اعلام آمادگی می نماید:

برای کسب اطلاع از شرایط احراز و وظایف مربوطه و همچنین تکمیل فرم درخواست، لطفاً از تاریخ ۹۸/۹/۲۷ لغایت ۹۸/۱۰/۶ به آدرس www.moe.gov.ir مراجعه فرمائید.

وزارت نیرو

م الف ۳۱۷۸